



دراسة تحليلية لعنصري الزمان والمكان في رواية سنك صبور للكاتب الإيراني صادق جوبك

## دراسة تحليلية لعنصري الزمان والمكان في رواية سنك صبور للكاتب الإيراني صادق جوبك

ا.م.د. ثائر فضل عيسى

جامعة سومر / كلية التربية الاساسية

البريد الإلكتروني Email : [Thaer8008@gmail.com](mailto:Thaer8008@gmail.com)

**الكلمات المفتاحية:** الرواية، المكان، الزمان، صادق جوبك، سنك صبور.

### كيفية اقتباس البحث

عيسى ، ثائر فضل، دراسة تحليلية لعنصري الزمان والمكان في رواية سنك صبور للكاتب الإيراني صادق جوبك، مجلة مركز بابل للدراسات الانسانية، تشرين الاول ٢٠٢٤، المجلد: ١٤، العدد: ٤ .

هذا البحث من نوع الوصول المفتوح مرخص بموجب رخصة المشاع الإبداعي لحقوق التأليف والنشر ( Creative Commons Attribution ) تتيح فقط للآخرين تحميل البحث ومشاركته مع الآخرين بشرط نسب العمل الأصلي للمؤلف، ودون القيام بأي تعديل أو استخدامه لأغراض تجارية.

Registered في مسجلة في

**ROAD**

Indexed في مفهرسة في

**IASJ**

Journal Of Babylon Center For Humanities Studies 2024 Volume :14 Issue : 4

(ISSN): 2227-2895 (Print) (E-ISSN):2313-0059 (Online)



## Time and place in the novel Sanj Saboor by Sadiq Chopak

D. Thaer Fadhel Essa

University of Sumer \ Collage of Basic Education

**Keywords** : the novel, Singh Saboor, Sadiq Jobak, time, place.

### How To Cite This Article

Essa, Thaer Fadhel, Time and place in the novel Sanj Saboor by Sadiq Chopak, Journal Of Babylon Center For Humanities Studies, October 2024, Volume:14, Issue 4.



[This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives 4.0 International License.](http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/)

### Abstract:

The elements of time and place are among the most important narrative elements in novels and stories. These two elements are very necessary because they complement the events and link them together. By the way, there is no action without time or place, both of which are important elements in the novel. These basic elements are considered prominent features in any literary work. As these elements have a very effective presence in any type of writing or type of text, therefore, when the reader encounters a place or time, he must understand the more detailed aspects of the text, and connect these elements to the narrative events because these two elements constitute the daily life of a person, and they are the drivers. The two basic elements of all events within the narrative text. It can be said that space is a very broad term that includes components and concepts of text events and goes far beyond the geographical boundaries of place. For this reason, we chose the time and place in Sadiq Gobak's novel Singh Saboor and discuss each element separately, because these elements are considered the essential part of the novel. Therefore, this research has examined the time and place of the aforementioned action, which depicts both the main and effective aspects of Sangh Saboor. By the way, the relationship between time and space seems to be strong and equal, and one cannot be separated from the other because they complement each other.





## بررسی دو عنصر زمان و مکان در رمان سنگ صبور اثر صادق چوبک

### چکیده

هیچ اثری بدون زمان یا مکان وجود ندارد که هر دو یکی از عناصر مهم و اساسی تشکیل دهنده ی رمان به شمار می رود. این عناصر اصلی از نشانه های برجسته و وابسته به فضایی روایی است که در فرهنگ هر جامعه جریان دارد. و این عناصر در هر نوعی از نوشته های متنی حضور بسیار مؤثر دارد. بنابراین وقتیکه نویسنده با فضا زمان یا مکان مواجهه می شود باید دقیق ترین جنبه های متنی را به خوبی درک کند و این عناصر را با رخ داد های روایی همسو کند چون که همین دو عنصر زندگی روزمره انسان را جز به جز تشکیل می دهد و در چیزی های مختلف دیگر یا بر انسان تأثیر می گذارد. از این رو می توان گفت که فضا عنصر اصطلاحی بسیار گسترده است که از اجزاء و مفاهیم رخ داد های متنی تشکیل می شود و از مرزهای جغرافیایی مکان به دور می رود. به همین دلیل زمان و مکان را در رمان سنگ صبور اثر صادق چوبک انتخاب کردیم و همخوانی هر دو عنصر را در متن مقصد و مبدأ مورد بحث قرار می دهیم چون که این عناصر جزء اساسی کار رمان به شمار می رود و نقش بزرگ و برجسته ای دارد. همچنین، این عناصر مراحل مختلف داستان را از قبیل حوادث و پیشرفت وقایع مشهود می کنند. بنابراین این پژوهش به بررسی زمان و مکان اثر مزبور پرداخته است که هر دو را به عنوان جنبه های اصلی و فعال سنگ صبور به تصویر می کشد. و اتفاقاً رابطه میان زمان و مکان رابطه ای محکم و همسو به نظر می آید و نمی توان یکی را از دیگری جدا کنیم چون که هر دو یکدیگر را تکمیل می کند.

**واژگان کلیدی:** رمان، زمان، سنگ صبور، صادق چوبک، مکان

### ملخص البحث :

يشكل الزمان والمكان في رواية سنك صبور للكاتب الإيراني صادق جوبك خصوصية متميزة ومتفردة؛ لما لهما من تأثير واسع على الأحداث السردية والقصصية؛ فكل العنصرين هما من قاد عجلة الأحداث، على وفق منهجية قائمة على العلاقات المتبادلة بين الشخصيات الروائية والمكونات السردية الأخرى. فالحكي عن زمان معين يبقى مبهما من دون الإشارة إلى المكان الذي تقع فيه الأحداث القصصية، باعتبارهما وحدتين متكاملتين لا تتقبلان التفكك أو الانفصال. ومن هذا المنطلق نجد أن الكاتب صادقاً جوبك قد ربط جمالية الزمان والمكان في أغلب الأحداث التي شهدتها رواية سنك صبور، مبيئاً أنهما عنصران أساسيان في هذه الرواية، قد لعبا دوراً بارزاً في نشر الوعي وإيصال المفاهيم والرسائل التي أراد المؤلف بثها في المجتمع. وقد بين





الباحث أن علاقة المكان بالأحداث السردية المختلفة تتحدد على وفق الأزمنة التي رافقتها، فنجد مثلاً البيت والشارع والدكان والمدينة والمقهى وغيرها عبارة عن أجزاء ومكونات تتشكل، تتزامن مع سنة حدوث الزلزال في شيراز وهجرة الناس لمناطق أخرى وأوقات البرد والليل والغروب وغيرها من الأزمنة الأخرى.

استنتج الباحث في نهاية بحثه أن الزمان والمكان في هذه الرواية قد لعبا دوراً بارزاً، بوصفهما بطلَي الرواية من دون منازع، وقد كانا متوافقين لا نقيض بينهما، يربطهما عنصر الوعي الذي مثله شخصيات عدة، كالسيد اقا احمد وبلقيس وغيرهما من الشخصيات الأخرى.

وقد توصل الباحث بعد الاطلاع الدقيق والمتفحص على مجريات الرواية إلى عدة نتائج مهمة، تتسجم مع الأوضاع الاقتصادية والسياسية والاجتماعية التي عاصرها الكاتب، وكان أهمها، بأن الرواية قد طرحت المضامين التي تلامس حياة المجتمع بشكل مباشر وتعالج قضايا السلبية ولاسيما الصراع الأزلي بين الوعي واللاوعي وبين الواقع والخرافة. كما اعتمد الكاتب في أسلوبه المعروف السردى على الوصف الدقيق لجزيئات الحياة الواقعية، مبتعداً عن الماورائيات والحالات الميتافيزيقية، ليخرج للقارئ رواية واقعية بعيدة عن الخيال والحكايات الأسطورية التي عجت بها الكتابات النثرية في بلاد فارس خلال العصور السابقة.

### بيان مسئلة

عناصر زمان ومكان چیست؟ این دو عنصر در رمان سنک صبور چه شکلی مورد استفاده قرار گرفته است؟ رابطه میان زمان ومكان چه صورت گرفت وایا زمان ومكان می توانند یکی را از جدا کنیم، یا هر دو یکدیگر را تکمیل کند؟

پرسش های مورد ذکر، برجسته ترین مسئلة هاي که در این مقاله مطرح خواهد شد. تلاش مي کنیم پاسخ این مسائل را در این پژوهش به دست بیايم.

### اهمیت و ضروره مسئلة

عناصر زمان ومكان عناصر مهم و اساس تشکیل دهنده ی رمان است. این عناصر در رمان سنک صبور حضور بسیار مؤثر دارد و با رخ دادها روائی همسو کند. اتفاقاً زمان ومكان زندگی انسان را در سنک صبور جز به جز تشکیل می دهد. از این رو اهمیت وتأثیر دو عنصر دیده مي شود و نگارنده عازم می شود آن ها را به شکل روشن تبیین کند.

### هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی دو عنصر زمان ومكان در رمان سنک صبور اثر صادق جوبک است.

## نوع پژوهش

این مقاله در حوزه ی پژوهش های توصیفی ، تحلیلی می گنجد. پژوهشگر تلاش می کند پس از مطالعه و گردآوری از رمان سنگ صبور ، و نیز نوشته ها ناقدان و پژوهندگان، جزئیات و تأثیر دو عنصر را تبیین و تحلیل نماید.

## پیشینه تحقیق:

تا اکنون مقاله های و کتاب های متعددی درباره نویسنده صادق چوبک و آثارش، و به خصوص رمان هایش نوشته شده است. چون نویسنده در یک از دوران حساس از تاریخ ایران می زیست، به همین دلیل بیشتر ناقدان و پژوهندگان آثار وی را کاویده اند. با بررسی های انجام شده در مورد رمان سنگ صبور به این نتیجه رسیدیم که کمتر عناصر مکان و زمان مورد بررسی قرار گرفته است. اما بررسی عناصر زمان و مکان با تمرکز بر رمان سنگ صبور تا اکنون انجام نشده است که باعث می شود ، نگارنده این مقاله در پی بررسی این موضوع خواهد بود.

## مقدمه

این پژوهش به بررسی زمان و مکان در رمان سنگ صبور اثر نویسنده صادق چوبک می پردازد. این رمان پر از رویدادهای اجتماعی، وقایع زندگی، اوضاع مردم شیراز و زمینه های اقتصادی و سیاسی در دوره ای خاص از تاریخ ایران است. صادق چوبک زمان و مکان را نمونه ی خاصی از تجربه ای حیاتی ارائه می کند که این تجربه ارتباط میان خود با دیگران و سایر ارتباط های زندگی می داند. در این مقاله نمی توان زمان را از فضا روایتی جدا کنیم، زیرا که هر دو با هم مرتبط است و از نظر تصاویر همپوشانی دارد. چنانکه وجود این عناصر زندگی روزمره آدم های رمان را به هم متصل می کند و ماجراهای وقایع رمان یا حوادث مختلف را به شکل سریال یا فضایی سینمایی تبدیل می کند. اتفاقا روابط زمان و مکان با وقایع دیگر سنگ صبور یکی از بنیادهای اساسی رمان به شمار می رود و می توان گفت که آن ها برجسته ترین عناصری روایی هستند و رمان از وقایع و جزئیات زندگی تشکیل می شود. بنابراین پژوهشگر در این مقاله تلاش می کند که زیبایی شناسی جلوه های زمان و مکان را بصورت روشن به خواننده منتقل کند. روشن است که این رمان حوادث برجسته و معروف شهر شیراز را به ثبت رسانده است که خواننده می تواند به صورت متون ادبی مطالعه کند. بر این اساس باید گفت که موضوع زمان و مکان در سنگ صبور عبارت است تلاقی رخ داد های و پیوند های متعدد از گذشته تا حال. همانطور که در می یابیم شخصیت های رمان در لایه



های زمان و مکان سفر کنند و بسیاری از بعد مکان و زمان از قبیل خیابان، خانه، باغ، مسجد، شب، صبح، روز، سال، و غیر از آن به نظر می آیند زیرا نویسنده مکان های واقعی و ملموسی را در دوران از تاریخ ایران انتخاب کرده است. خوانندگان وقتی که رمان را می خوانند به شخصیت روایی حس می کنند، و با آن ها احساس می کند یا بخشی از آن می شود. همچنین، نویسنده این مقاله اصطلاحات زمان و مکان را به صورت جداگانه معرفی کرد و بر شواهد ذکر شده در رمان تکیه کرد. لذا پژوهش تحت این عنوان قرار گرفت. نویسنده در این رمان بر مبنای سیلان ذهنی سنگ صبور را نوشته است. موضوع های مطرح شده در این رمان بسیار است که از قبیل تاریکی، خون آلودی، فقر، خرافه جهل و تهیدستی مردم ایران و به خصوص شهر شیراز را به تصویر می کشد. البته می توان گفت که تاریخ ماجراهای داستان به سال ۱۳۱۳ هجری - شمسی بر می گردد که نخستین قرن بیستم فعالیت و حوادث آن را رخ می دهد. روشن است که چوبک نویسنده حرفه ای رمان است و بدبختی جامعه را بطور نوشته ها واقع گرایانه نوشت. " در حقیقت، هنگامی که احمد اقا زندگی خود را در داستان می نویسد، ما خیال می کنیم نویسنده ی واقعی این داستان، چوبک زندگی خود را برای ما بازگو می کند." (۱)

اتفاقا وقتی که رمان را می خوانیم جزئیات و اوضاع مردم فرودست را می فهمیم و نویسنده سعی کرده فضای جامعه ناشناخته ای را به صورت کتاب واقعگرایی کشف کند. بنابراین بیشتر ناقدان متفق اند که او مکتب رئالیست می دانسته است. چوبک در این اثر با عناصر زمان و مکان بسیار ارتباط دارد. ماجراهای شهر شیراز را در سال ۱۳۱۲-۱۳۱۳ جز به جز تشریح می کند و اینجا باید گفت که نویسنده در نقل وقایع رمان به تکنیک سیال ذهنی تکیه می کند. رابطه زمان و مکان رابطه ای همسو است که در عین حال رابطه ها یکدیگر را تکمیل می کنند. درباره آن می گویند: "رابطه مکان و زمان رابطه ای دیالکتیکی است که همبستگی اجتناب ناپذیر ضروری در آثار داستانی دارد که از آنها دو پایه متن داستانی بنا می شود" (۲). بنابراین نمی توان زمان را از مکان جدا کنیم و باید هر دو را با هم جستجو کنیم.

اتفاقا چوبک آگاهی عمیق دارد که باعث می شود احساسات مردم را سوای از زندگی آمیخته درک کند. او در قصه و رمان ها حوادث سیاسی و اجتماعی حکومت پهلوی و زندگی سرشار فقر و تهیدستی اهل شیراز را توصیف می کند که جامعه واقعگرا را به فضای هراس و کابوس مبدل می کند. " هنگامی که در سال ۱۳۲۴ خیمه شب بازی نخستین مجموعه قصه های صادق چوبک منتشر شد، با خود تبی فراگیر پدید آورد. اسلوب چوبک بر نویسندگان



روزگارش اثر نهاد. " ( ۳ ). وقتیکه به صفحه های رمان سنگ صبور نگاهی بیاندازیم می بینیم که همه طوایف جامعه شهر شیراز هست واسرار زندگی این ملت محروم به شکل داستان نقل شده است. بنابراین می توان گفت که چوبک داستان نویسی است که یک داستان جذاب روایت می کند.

### دلایل عنصر زمان در سنگ صبور :

ممکن است این تصور وجود داشته باشد که هیچ رابطه ای بین مکان و زمان وجود ندارد ولی بین آن ها تفاوت وجود دارد، زیرا مکان مادی است، اما در حالی که زمان درک و مشاهده نمی شود، یعنی غیر مادی است، واگرچه می توان آن را با ابزارهای مادی پیگیری و اندازه گیری کرد. اما دانشمندان ریاضیات و فیزیک در این مورد نظر متفاوتی دارند و یک تعریف مشابه ارائه کرده اند، زیرا که اعتقاد دارند که هر دو عنصر یکسان است و دریافتند که حرکت پیوندی بین زمان و مکان یک است. ( ۴ ).

منتقدان در نقد ادبی با مطالعات خود اصطلاحاتی را برای معنای زمان پیدا نکردند که باعث شد از اصطلاحاتی مانند (فلش بک و مونتاز ) استفاده کنند. تا زمانی که تلاش هایی از سوی فرمالیست های روسی که به دنبال تقسیم زمان در اثر ادبی به زمان روایی (نظام رویدادها) و ساختار روایی (نظام گفتمان) بودند، پدیدار شد، بنابراین این تئوری به آنها مربوط است که شروع مطالعه و تحلیل زمان را به عنوان یکی از اجزای روایت به قرن بیستم بازمی گرداند. ( ۵ ).

در سنگ صبور می بینیم که زمان یکی از درونمایه های اصلی رمان است که صفحه های زیاد را از قبیل شب و روز و سال و صبح و گذشته و آینده شامل می شود. و همه متفق اند که نویسنده به زمان پر از شور و سوز پرداخته است . براهنی می گوید که چوبک در سنگ صبور زندگی شبانه ملت ما را در دهه های نخستین قرن چهارم هجری ارائه داده است ( ۶ ). وقایع زمان در سنگ صبور همین زمانی سال ۱۳۱۳ / ۱۳۱۲ ه.ش که بیشتر رویداد های بخشی از زندگی مردم شهر شیراز روایت می شود. اولین نشانه های زمان را می توان به زمان وقوع زلزله وحشتناک اشاره کرد که شهر شیراز را می لرزاند و مردم در هراس و ترس می گذاشت " هنوز شیراز میلرزد. مردم دارند شهر را تخلیه می کنند" ( ۷ ) . نویسنده در این صحنه داستانی را بیان می کند که مردم از زلزله بترسند. چشم های او لرزیدن زمین، ویرانی خانه و کشته شدن مردم را نمی بینند چون بلایای طبیعی برای آنها اتفاق می افتد و باعث می شود





شهر را تخلیه کنند. زمان داستان، زمان وقوع رخدادها وحقایق ملموس در شهر شیراز بود که بر اساس تاریخ های معین مرتب و متوالی شده است. با بررسی این وقایع، برای ما روشن می شود که زمان داستان به زلزله ای بر می گردد که این بلای طبیعی شهر را لرزاند و تاریخی که آن حادثه رخ داده است. اوجش را به پایین ترین و پستی را به اوج تبدیل می کند. " حالا دیگه عوض همه چی زلزله میاد." (۸). زلزله زمانی که پدیدار می شود اوضاع مردم فقیر و تهیدست را عوض می کند. نویسنده " اعماق جامعه ای بیمار و اسیر خرافات را می کاود و تصویر هراسناک از آن به دست می دهد. در جهان داستانی او جایی برای عشق و شفقت نیست. هیچ کس به دیگری اعتماد ندارد. تنها هراس و فساد و مرگ است که واقعیت دارد" ( ۹ )

نویسنده به شکل روشن و صریح به زمان نوشتن رمان سنگ صبور اشاره کرد که این سال فاصله را در تاریخ شهر شیراز می سازد: " سال هزار و سیصد و سیزده خورشیدی" ( ۱۰ ). که در این سال بسیار از رویدادها در زمین مختلف این شهر مثل کشته شدن، معایب جامعه، شور و هیجان ملت، بلای طبیعت، فقر و تهیدستی، وقایع سیاسی و اقتصادی دیده می شود. اما زمان رمان همان زمان زلزله نیست، بلکه زمان حاضر و گذشته است که صفحه های رمان را تشکیل می دهد.

چنانکه گفتیم که در سنگ صبور می توان مشاهده کرد که رویدادهای روایی فقط زمان حال را شامل نمی شود، بلکه نویسنده به زمان های دیگر از جمله زمان حال و گذشته سفر می کند و نشانه های آن را از قبیل توصیف خانه، خیابان، زندگی روزمره و همزیستی شخصیت ها و رخ دادهای تاریخی مشخص می کند که همه این وقایع از رئالیست بیرون نمی رود.

رمان در واقعگرایی، ملت محروم و مظلوم و اوضاع ناشایسته طبقه مردم فقیر را نشان می دهد. از مشاهده خانه مشترک که خانواده های زیادی در آن ساکن می شوند درک می کنیم که همه افراد آن با استرس و نگرانی مسکن، درد زندگی قشر پایین دست را تحمل می کنند. " تو کته زغالی شبه. روزم اونجا شبه. شبم خیلی شبه. من از تو کته زغالی میترسم. ( ۱۱ ). روشن است که شخصیت سنگ صبور همان شخصیت مردم شیراز است که از ابتدای فروپاشی اقتصاد و سیاست ستمکاری و حتی بلاهای طبیعت رنج می برد.

می توان گفت که بیشتر مضامین رمان مربوط به زمان و انواع آن است. مضامین اصلی رمان را توسط چند شخصیت بیان می کند که این پدیده یکی از عناصر اصلی رمان است و معلوم می شود که خوانندگان رمان رویدادهایی زمان را از قبیل روز، شب، صبح و سال





به طور طبیعی می شناسند . ناقدان ادبی متفق هستند که همه این عناصر به وضوح در سنگ صبور وجود دارد وقهرمان رمان و شخصیت های متعدد آن را جز به جز تشریح می کنند. " اوخ شب شد خوابیدم، اوخ روز شد پا شدم. " ( ١٢ ). به همین ترتیب، در این صحنه زمان حال درمی یابیم که نویسنده تلاش می کند رویدادهای جاری در زمان خود را بدون بازگشت به گذشته یا پیشروی به آینده باقی بگذارد. بلکه، زبان حال مشتمل بر زمان ها مختلف را توصیف می کند. " یه روز سفیدی که آفتاب تو حوضه، با احمد آقا میرم تو کته زغالی نم رو درش میارم. اتاقمون همش درش قلفه. احمد آقا بز رگه، " ( ١٣ ).

زمان دیگری هست آن که زمان گذشته است. همواره نویسنده به وقایع زمان قدیمی بر می گردد وابستگی رخدادهای سیاسی در تاریخ ایران را نشان می دهد. او به آن دوره های قدیمی می نگرد و به برجسته ترین حقایق تاریخی بطور مثال ماجراهای جنگ ایران با عرب یا مغول و دوران پیش از اسلام اشاره می کند. یکی از آن ها واگویه های احمد آقا است که نویسنده به زمان قدیم و رخدادهای آن دوران بر می گردد و جنگ ایران با عرب و مغول را به یاد می آورد. " عرب و مغول چقد رشو سوز و ند و نابود کر د؟ نوشته های ساسانی کو؟ کلیه و دمنه رودکی کو؟ کارهای بیهقی کو؟ و کو صد ها چیزها دیگه که ما اسمشو نم نمیدونیم؟ از تو میپرسم این مملکت هیچ نداشت؟ هخامنشی و اشکانی و ساسانی از زیر بته در اومدن؟ " ( ١٤ ).

همانطور که گفتیم که زمان گذشته عنصر برجسته ی رمان است، که خوانندگان را در زمان های مختلف جنوب ایران جابه جا می کند. این عنصر ویژگی و حاکمیت در داستان دارد چون که گذشته بر کرسی رخدادهای روایت می نشیند، ووقایع ناپدید و پنهان را نشان می دهد. می بینیم که گذشته آینده را تحت الشعاع قرار می دهد و زمان حال با رنگ های گذشته رنگ آمیزی می شود. " دیشب پیش احمد آقا خوابیدم. صب یه دفه چشمم واز کردم دیدم تو اتاق احمد آقا خوابیدم. شب رفته بودم رو پله دم در اتاق نم نشسته بودم تا نم بیاد. " ( ١٥ ).

بازگشت به زمان گذشته شکل های مختلف از جمله گذشته های دور و نزدیک به خود می گیرد که نویسنده در همه موارد آن به خاطره و یادداشت خود تکیه می کند . این شیوه ی روایتی معروف و مشهور است و ناقدان آن را فلش بک می دانمند.



در رمان سنگ صبور زمان با زیبایی به عنوان شکل دیگری از زمان دیده می شود. نویسنده با هوش و اقتدار از چارچوب زمان حال به زمان گذشته راه باز می کند. اگرچه صحنه های سنگ صبور بر یادآوری بنا می شود، اما نقطه شروعی برای حرکت رو به جلو در ساختار ترتیبی رمان است که فرصت بسیار خوبی را به رمان نویس می دهد که زمان حال با زمان گذشته را با هم بیامیزد. " حالا دیگه عوض همه چی زلزله میاد. نه شب خواب داریم، نه روز آروم. " ( ١٦ ). در صفحه های بعد از آن می بینیم که وقایع رمان را از یک سو به سو دیگر پیش می برد و از رخدادهای حال و گذشته بهره مند می شود. زمان به خوبی در یادداشت های (ارتداد) رمان ذکر شد که این وقایع بخشی مهمی از فرهنگ و میراث ملت به شمار می رود و باعث می شود که تاریخ ملت را در خصوص فرهنگ، رسوم و آداب، سیاست، جنگ، ادبیات باستانی و حتی اوضاع کشور با همسایه های خود را شامل بشود.

بنابراین نویسنده همیشه به زمان گذشته علاقه مند می شود و روزهای پر از شور و هیجان یا دوران جوانی شخصیت قهرمان رمان را به یاد می آورد. " ده پونزده سال اول زندگی که هیچ " ( ١٧ ). او وقایع تاریخ قدیمی اسلام و دشمنان آن را از قبیل یزید بن معاویه دشمن انسانیت می داند. " قریون غریبیت برم یا ضامن آهو که چه جویری یزید شراب میخورد و با خیزرون میزد به لبای مبارکت که دل فرنگی واست کباب شد. " ( ١٨ ). چنانکه نویسنده شخصیت اقا احمد را به عنوان شخصیت با آگاه و نویسنده می شناساند که می تواند ماجراها و حوادث عمیق و برجسته را از قبیل وقایع تاریخی و ادبی، درگیری ها و جنگ و رخدادهای مختلف را یادداشت کند.

دوران درگیری ها و جنگ که بر سر ایران می گذرد، تصاویر بسیاری را که تاریخ نمی تواند از آن چشم پوشی کند، رقم زد. از جمله آن وقایع، آنچه که نویسنده در دوران گسترش اسلام ذکر می کند. او معتقد است که این امر باعث تغییراتی برای این مردم شد. اینجا چوبک رمان نویس است که در واقع شخصیت های گذشته را بازسازی می کند. " عمر سعد وقاص را با سپاه، فرستاد تا جنگ جوید ز شاه. " ( ١٩ ). نویسنده در این صحنه لایه های تاریخ قدیم را که پر از ستم و قهر کاوش می کند و معتقد است که وقایعی که واقع شده به عنوان رویدادهای مهمی از تاریخ این ملت است و باید خوانندگان در جامعه به آن دوران نگاهی عمیق بکنند. چنانکه نویسنده نوشته های و اشعار باستانی را جلوی چشم خوانندگان باز می کند و از شاعران بزرگ چون سعدی، حافظ، و نظامی در جای جای سنگ صبور نام می برد. ( ٢٠ ).



زمان دیگری که در رمان ظاهر می شود زمان روانشناختی و تنهایی است . همانطور که برخی از شخصیت ها مانند شخصیت احمد در یک زمان خاص یا بحران روانی زندگی می کنند. زمان زندگی این قهرمان حالت تضاد شخصیت را می سازد که او تحصیل کرده است اما برخی از وقتها بی هوش و ضایع می شود و درد فراق گوهر را می چشد. آقا احمد مثل همان شخصیت های با سواد و فرهیخته است که همواره انزوا و تنهایی را تجربه می کنند .

در سنگ صبور درد روانی که اقا احمد می چشد، آن درد را در اعماق شخصیت خود می بینیم . احساس درونی که در اعماق شخصیت او به شکل روشن رخ می دهد و نمایان می شود و اگر به این شخصیت نگاه کنیم، زمان روانشناختی پراکنده میان چین ها و رویدادهایش را خواهیم یافت که ناگزیر در داستان روایی ذکر می کند. شاید بتوانیم زمان روانی در برخورد او با مرگ گوهر متوجه شویم، زیرا او نمی توانست فاجعه فراق را تحمل کند و روشن است که مرگ گوهر تأثیر زیادی بر او گذاشت، بنابراین روح و روانش متلاشی شد و در نتیجه آن رنج شدیدی را متحمل شد. بلقیس می گوید: " الهی پیش مرگ احمد آقا بشم که چه جوری گر یه میکر د. ایشالو بمیر م براش. گمونم کتاب جوهری میخوند که گریه میکرد." (٢١). در این صحنه مشخص است که این شخصیت دچار چه مشکلی و بحران روحی و روانی ای است که در آن زمان به سر می برد که می توان افسردگی او به عنوان زمان روانی قهرمان داستان یاد کنیم چون او فردی درونگرا است که تنها با کتاب آرامش می یابد یا در اتاق تنهاست یا غم فراق گوهر بر او چیره می شود. " احمد آقا ....همش سرش یا تو کتابه یا گوشه اتاقش مته دیوونه ها با خودش حرف میزنه؛ یا زیر زیرکی به قد و بالایی گوهر نگاه میکنه؛ که ایشالو قد و بالاش رو تخته " (٢٢).

یکی از زمان هایی که نویسندگان رمان به آن علاقه دارند، زمان آینده نگری یا چشم دوختن به آینده است که این زمان بخشی ضروری از تکنیک های روایی است. اما در رمان چوبک، این زمان تقریباً پنهان و نامشخص است زیرا توجه در رمان سنگ صبور به وقایع زمان حال و گذشته بیشتر است از توجه به آرزوهای آینده یا پیش بینی آن چه اتفاقی خواهد افتاد. بنابراین زمان آینده در این رمان مبهم و ناپدید است. که " آینده ای که در دهلیزهای مرگ آلوده و ناشناخته چشم راه رسیدن شازده است، دروغین و ساختگی است در حال که سنگ صبور ، زمان داستان با حرکتی زیر پوستی به پیش مر رود؛ اگرچه نقطه پایانی همه خطوط داستانی این رمان ، زمان اکنون روایت است، نه آینده پیشاپیش به گذشته تبدیل شده است " (٢٣). با اینکه برخی رویدادها رمان که وجود دارد زمان آینده را نشان می دهد که



خواننده می تواند وقایع بعدی را پیش بینی کند. " هر و خ اومدی شیراز بیا پیش خودم. اینجا خونه خودته. " چنانکه بلقیس که یکی از شخصیت های مهم در رمان است، در این مورد نظری دارد و می گوید : " اگه یه دفه احمدآقا بیاد پیش من دیگه پیش گوهر نمیره. نمیدونه من بعد دو سال که شوور کردم هنوز دختر بکرم. یا شاهچراغ اگه مرادم بدی یه دسه شمع نذرت میکنم. " (٢٤). اینجا بلقیس چشم اندازی به آینده ای و آرزویی دارد، که شاید معشوقه اش اقا احمد نصیبش می شود.

چنانکه برخی از شخصیت ها رمان دنیای غیبی را پیش بینی می کند ، که در حد انتظار سرنوشت خود قرار می گیرد اما آن سرنوشت رخ بدهد، یا ندهد این امر ناشناخته است و نمی تواند به طور قطعی اتفاق بیفتد. " اما حاجی اسمعیل تو جهنم بود. گفتم میخوام برم پیشش تف تو روش کنم. گفتن مگه میشه؟ از هزار فرسخی جهنم رد بشی، جزغاله میشی. (٢٥). در این گفته می بینیم که پیش بینی سرنوشت یک نوع از انتظار است که این انتظار با نیایش یا تضرع برای وقوع آمیخته می شود. همانطور که پیش بینی در سرنوشت حاجی اسماعیل خواهد شد.

می توانیم به این نتیجه گیری برسیم که برخی از صحنه های رمان درباره ادغام آینده و انواع زمان دیگر است که چوبک تلاش می کرد به تشریح حال و گذشته که شکل روشن و دقیق دارند اما زمان آینده بطور واضح دیده نمی شود چون زمان آینده در زمان حال و گذشته جریان دارد.

#### دلایل عنصر مکان در رمان :

عنصر مکان در ساختن متن داستانی که مجموعه ای از دیدگاهها و ارزشها را در بر می گیرد، اهمیت بسیار دارد و حرکت و کنش شخصیتها چارچوبی فضایی را تحمیل می کند و در آن می چرخد. مکان همچنین کنش شخصیت ها، محیط، حرکت و باورهایشان را آشکار می کند. زیرا آن که محیطی است که در آن شخصیت ها حرکت می کنند و از عبور می کنند. (٢٦)

وقایع رمان در شهر شیراز است که در جنوب ایران و آن محیط است که نویسنده خانه های این شهر را به خوانندگان جزء به جزء توصیف می کند که این داستان شامل فرهنگ ، زبان ، رسوم و آداب و مناسبات اجتماعی اهل شهر است. برجسته ترین نشان های مکانی خانه، بازار ، مسجد، خیابان، زیارتگاه و غیره آن است که همه این دلایل مکانی روابط محکم استوار با مردم شهر دارد . " ازم تو مسجد نو دیدمش. هر روز تو مسجد نو و بازار شاه چراغ و



سید میراحمد و بازار حاجی و بازار وکیل برای خودش پرسه میزنه و پلاسه. هر وقت دیدمش بیکاره و مته اینکه همیشه دنبال یه چیزی میگرده. " (٢٧). چوبک سعی می کند که رابطه مکان و شخصیت شخصیت های رمان را با تکیه بر دلایل فضا تبیین می کند. او دلایل و علاقه داشتن انسان و زمین را به شکل دقیق و روشن توضیح می دهد.

چنانکه گفتیم که رمان سنگ صبور پر از شور و هیجان است که زندگی مردم را با بدبختی و ترس آور باز می گوید. بنا برین وقایع زندگی مردم فقیر و تهیدست را به تصویر می کشد. جلوه های مکان از قبیل خانه، شهر و طویله در بسیاری از لایه های رمان دیده می شود. اما احمد آقا سیمای مکان را از قبیل شهر، خانه، خیابان ورود به صورت ساده و معمولی بیان می کند و به نتیجه می رسد که بیشتر فضاها شباهت دارند و هیچ اختلافی بین آنها نیست: " باید برم یه جای قایم بشم. برم سعدی. چه فرق میکنه. سعدی م مته اینجاس. خیال کردی سعدی تا ترا اونجا دید از گور پا میشه دستت میگیره می بره پهلو خودش تو گور میخوابونه. میرم گهواره دیب رو نوک کوه میشنم. اگه شهرم خراب بشه از بالا تماشا میکنم. از کجا میدونی که کوه نریزه و خرد نشه؟ میرم تو بیابون. اونجا هم مته همه جا زمین قاچ میخوره." (٢٨). نویسنده در این نوشته، رابطه شخصیت را با مکانی که در آن زندگی می کند و تأثیر آن بر او یا بخشی از زندگی روزمره خود را به ما توضیح می دهد. البته تأثیر مکان، تأثیر فیزیکی و روانی ظاهر می شود که در اعمال چوبک منعکس شده است. می توان گفت که بیشتر شخصیت های رمان متعلق به طبقه فقیر و مستأصل آن قشر هستند که همه آنها با مکان رابطه محکم داشته اند. البته یک رابطه ی مبتنی بر جستجوی زندگی و هستی.

پس از گم شدن گوهر است که فضای مکان رمان، فضایی است که از زبان انتظار، سردرگمی و امید موعود صحبت می کند و پیوند شخصیت ها را به فراز و نشیب متبلور می کند که آن در حالی که عمیق و ترحم آمیز به تأیید حضور شخصیت دیگر (گوهر) نگاه می کند. " احمدآقا اومد وایساد تو آسونه هیچ نگفت. من گفتم « از گوهر چه خبر داری؟» هیچ نگفت." (٢٩). همان در این نوشته می بینیم که علیرغم از پیوند شخصیت با خانه که احساس صمیمیت و شور وجود دارد اما حسرت و میل به نگاه انتظار است و به سمت تبلور یک عامل روانی خسته کننده که همان عامل دوری است، می رود که این تنش رابطه بین شخصیت و مکان را تضمین می کند.



نویسنده به جایگاه های مختلف عنایت می کند که از آنها نواحی شهر، اتاق های خانه، خیابان، مسجد نو و غیر آن است. او مکان جز به جز از قبیل محیط زیست و هوای آن را توضیح می دهد. "قربان شما بروم آقا محمد آقا. بله چند روزی رفته بودم بوشهر. هوای آنجا در این فصل خیلی مطبوع است. اما در برگشتن در هتل پیرزن سرما خوردم. هوای شیراز برای ما مردم هندوستان خیلی سرد است." (۳۰). در این نوشته روشن می شود که شهر گونه ای اجتماع است که احساسات مردم و عاطفه آنان را دارد. شهر همیشه به منزله امنیت و آرامش روحی برای مردم متجلی می شود. می بینیم رابطه ای مثبت بین فضای شهر و مردم وجود دارد. این تمایل به صحبت در مورد آگاهی جمعی متمرکز در ذهن مردم است یعنی این مکان باعث اطمینان و امنیت اهل شهر است "من میخوام برم تو مسجد نو یه حجره بگیرم توش بشینم." (۳۱). مسجد نو به عنوان مکان آرامش و عبادت است که مرد را به کمال روحی و آرامش نفس می رساند و مانند جایگاهی آرمانی است که در آن آرزوی های مردم متجلی می شود. چنانکه روشن است که مسجد پناهگاه امن ست و فردی می تواند به آن فرار کند و تنها با خود باشد چون که مکانی پاکیزه است که می توان احساس درونی، دگری های روحی و شکست خود را ترمیم کند.

نویسنده به توصیف اتاق های خانه مشترک می پردازد. این خانه چندین خانواده در آن زندگی می کنند که بیشتر آنها قربانی فقر هستند و رنج را می چشند. برخی از آنها گوهر، بلقیس، احمد آقا و اسماعیل هستند. شخصیت احمد آقا شخصیتی اساسی در رمان است که او همواره در اتاق خود تنها و منزوی است و با اوام خود زندگی می کند. "اول از زیر تاق مشیر رد میشم. تاق دروازه و توش همیشه سیاهه. تو دکون حبیب اول سلام میکنم" (۳۲). در این متن نمی توان سطوح توازی روانی را که احمد تجربه کرده است نادیده گرفت. مثل احساس گم شدن در مکانی پر از افراد بی سواد و مسئله برخورد با دیگران خیلی سخت به نظر می رسد و چاره ای جز انزوا و تنهایی وجود ندارد.

از دلایل مکان اتاق، بعد از کشتن او فضا شهر به جایگاه دشمنی مبدل می شود که همیشه در این مکان شوم حواسش را پرت می شود. البته نویسنده بر سیال ذهنی اتکا می کند و به زمان گذشته بر می گردد و این ورطه را به تاریخ ایران در سال ۱۳۱۲ مربوط می کند و لایه های تاریخ را ورق می زند و از زبان بلقیس احوال احمد آقا را شرح می دهد: "از وختی گوهر گم شده اوم حواس خودش رو نمیفهمه میباسم فکر و حواسش پیش گوهر باشه." (۳۳) در ضمن نویسنده شخصیت گوهر را زنی مظلوم و عقیف می داند. روشن است که گوهر



زن جوانی که از فقر و تهیدستی برای ادامه زندگی خود و پسرش مجبور است که تن فروشی کند. شخصیتی دیگر که بر مکان تأثیر دارد سیف القلم دکتر هندی است. او در قتل گوهر و شیخ محمود به نظر می آید که دست دارد چونکه اعتقاد دارد نباید فقیرها و فاحشه ها زندگی کنند. البته تأثیر محیط بر شخصیت های رمان خیلی تأثیر داشته است و ارتکاب این جرم مکان را به مکان خصمانه و دشمنی تبدیل می کند. شخصیت دیگر که در مکان حضور تأثیر گذار داشته باشد، بلقیس است که گوهر نسبت به او بسیار آرام و با حیا است و بر عکس بلقیس که زنی زشت و به افکار شهوانی خود غرق است. نویسنده مقاطعی حساس را از زندگی این زن توصیف می کند. " میدونی اوختا یه زنی بوده تو تهرون اسمش بدری بوده رو شکمش با همین خالا نوشته بودن « هرکه خواهد گو بیا و هر که خواهد گو برو؟ » گوهر: تو دیده بودیش؟ من نه. مال حالاها نبوده. مال خیلی وخت پیش بوده. او وختا من نبودم. مال صد سال پیشه. " (٣٤). می بینیم که در این صحنه روایی انعکاس واقعیت زنان است که آن ها در مکان هایی قدرت مردانه بر آن حاکم و سوء استفاده از زن به دلیل نیاز، فقر است و به همین دلیل که سیف القلم جنایتکار به نظر می آید. اما راوی کاری که این زن انجام می دهد، رد می کند به علت حضور مردسالاری در این مکان های نامعتبر با یک خانه چهار اتاقه جمع شده اند خفه کننده، تاریک، بی رحم و طبیعی است که مکان تأثیر می گذارد و رابطه منفی بین مکان و شخصیت ایجاد می شود. " اونا که صیغه میسونن بیشترشون اهل شهر نیسن. اهل بیرونان. مال بوشهر، مال فیروزآباد، مال زیرگل، چمدونم. همشون میان شاهچراغ زیارت. که ایشالو شاهچراغ کمرشون بزنه " (٣٥). این مظهر طرد شخصیت از این فضای بسته است که در نتیجه استثمار و عملکردش به او تحمیل شده است. و اعمال او غیرقابل قبول است و رفتار او با رفتار زنان متعهد در این جوامع محافظه کار متفاوت است. نویسنده مقایسه را بین مکان درونی و بیرونی اجرا می کند و به توصیف اوضاع کوچه ، خانه ، اتاق و خیابان می پردازد. او بیان می کند که زندگی با جنایتکار و مردم بی سواد مکان آرامش را به مکان شوم و بد اقبال تبدیل می کند و نقش منفی دارد که باعث می شود زنانی مثل گوهر و بلقیس تن فروشی بکنند. در حقیقت رفتار دو زن یکسانی و شباهت ندارد. " من میخوام بدونم که این جنده سربازی چطو شده که دیشب خونه نیومده. اینش دیگه تازگی داره. خدایا چه بارونی، مثل اینکه دنیا داره خراب میشه. این همه آب کجای آسمونه. قیومت بگیره، همینجوری داره شرشر میباره. چشم روشن! حالا دیگه خوب راش یاد گرفته، شبم بیرون میخوابه. " (٣٦).

دیدگاه‌های متقابل بین مکان و شخصیت یا صورت‌بندی رویدادها رابطه نزدیکی دارد که برای اثبات برهان مکان بر واقعه و حادث بر مکان، همپوشانی دارند که این نکته ای که به طور نهایی فرض می شود، برعکس است. همانطور که اشاره کردیم، متقابل است و موضوع فضایی مکانی عناصر درام را می سازد. یعنی این که توصیف اغراق آمیز جایی که در آن رویدادها به پایان برسند. ماجراهای قهرمانی ورخ دادن وقایع مختلف است. رویدادهای متنوع را منعکس می کند. ( ۳۷ )

در صحنه دیگر تصاویر مختلف است که اطراف مکان ، وحشت، ترس و کشتار است. و این رویایی است که پس از کشتن گوهر وفوت شدن سلطان یک رویا می آید که هر چیزی می تواند منفی باشد. به همین علت برخی از شخصیت های رمان مانند اقا احمد جای دیگر را جز انزوا و تنهایی دور از مردم انتخاب نمی کند. و به هر حال تعیین رابطه بین شخصیت ها و مکان مانعی برای دوست داشتن این مکان به مثابه حریم شخصی نیست. مردم در سخت ترین بلاها به او روی می آورند. " من نمیدونم چکار کنم که تو آدم بشی. این چن نفری که تو این خونه دور هم دیگه جمع شده بودن، مته تموم مردم دیگه دنیا ناچار بودن که تو همدیگه وول بزین " ( ۳۸ ).

چنانکه رابطه مکان شامل درجه بالایی از صمیمیت و عشق است که به محل تولد و یادگاری ناشی می شود که کاکل زری مکان به عنوان ابزاری برای گذشته و روزهای نوجوانی و خاطرات با تمام جنبه های زیبایش به نظر می آید. " او مد م خونه دیدم کاکل زری تو آستونه اتافشون خوابش برده. در اتاق نشم قفل بود. معلوم بود هنوز گوهر نیومده. بغلش زدم بردمش تو اتاق خودم خوابوندمش. از همه بدبختتر این پسرک چار پنج ساله هس " (۳۹). این مکان برای کاکل زری مکان دوست داشتی می شود، زیرا حاوی خاطرات زیبا با مادرش بود که افکار مادرانه شخصیت خود را مرور می کند. کاکل زری فضای خانه را پر از لطافت و آرام می داند که بر رفتار خود حاکم بود. این دختر به گوشه و کنار مکان می چرخد و خاطره گذشته را می آندیشد، و امید دارد که لحظاتی همراهی مادر خود را به یاد بیاورد.

اما بعد از واقعه زلزله و کشتن گوهر اوضاع مکان در رمان سنگ صبور به شکل مغایر و خصمانه تغییر می کند. که رابطه شخصیت و مکان، به ویژه پس از کشتن گوهر، تبدیل به یک رابطه درد، غم و جدایی شده است که با تمام جزئیاتش به مکانی وحشیانه و خصمانه مبدل می شود. " حالا دیگه عوض همه چی زلزله میاد. نه شب خواب داریم، نه روز آروم. همش





ترس و دلهره. هی زلزله، هی زلزله. خودمون زندگی آروم بیسر خری داشتیم که این زلزله های پدر سگم قوز بالا قوز شده و از صب تا شوم مرگ سیاه جلومون ورجه ورجه میکنه. در و دیوار و سقف و درخت و آب حوض میخواد از زمین ریشه کن بشه" ( ۴۰ ).

در نهایت باید گفت که هر دو عنصر مکان و زمان در رمان سنگ صبور به شکل روشن و واضح متجلی می شوند و شواهدی که در این مقاله به دست آوردیم ارتباط تنگاتنگی را با روایت داستان بیان می کند. هر دو عنصر بر رویداد روایی تأثیر گذاشتند و روند رویدادها را تغییر دادند که می توانیم آنها را برجسته ترین تکنیک های داستان بدانیم.

### نتیجه گیری:

پس از مطالعه دقیق رمان به این نتیجه می رسیم که آن چند نکته ی مهم را نشان می دهد:  
۱- در محتوای رمان سنگ صبور قضایا بسیارند که از قبیل درونمایه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیر آن است که از شخصیت های اساسی و ثانوی از قبیل احمد اقا، بلقیس و گوهر و کاکل زری و جهان سلطان، شیخ محمود سیف القلم و غیره آن تشکیل می شوند.

۲- نویسنده در ساختار سنگ صبور بر توصیف دقیق مکان و زمان تکیه کرد و دو عنصر را به شکلی واقع گرایانه و به شیوه ی شاگردان مکتب رئالیستی اجتماعی وابسته به وقایع زمانی رخ داده در شهر شیراز پیوند داد.

۳- در زمینه رمان از مکان و زمان نمی توان صرف نظر کرد و نویسنده این دو عنصر را شگفت انگیز و واقع گرایانه ارائه کرد که شامل مکان متخاصم و دوستانه یا محبوب با تنوع مکان ها و اشکال مختلف آن است.

۴- شخصیت های رمان از زمان و مکان جدا نبودند، و با دو عنصر یک رابطه نزدیک و پیوند محکمی داشتند.

### حاشیه های:

۱- فرزاد بالو و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰

۲- کمنجی، ۲۰۱۱: ۱۸۹

۳- سپانلو، ۱۳۸۱: ۸۱

۴- دیفینر، ۱۹۹۸: ۱۳

۵- مرتاض، ۲۰۱۷: ۲۹۶

۶- برهنی، ۱۳۶۸: ۷۴۱

۷- چوبک، ۱۳۵۲: ۳

۸- چوبک، ۱۳۵۲: ۲



- ٩-عابديني ، ١٣٨٧ : ٢٤١  
١٠-چويك، ١٣٥٢: ١١٨  
١١-چويك، ١٣٥٢: ٥٥  
١٢-چويك، ١٣٥٢: ١٢٧  
١٣-همان، ٥٦  
١٤-همان، ٣  
١٥-همان، ٢١  
١٦-همان، ٢  
١٧-همان، ١١٧  
١٨-همان: ٣٠  
١٩-همان، ٦٣  
٢٠-همان، ٨٣، ١٣٥، و ١٣٧  
٢١-همان، ٧٢  
٢٢-همان، ١٦  
٢٣-دهقاني، ١٣٩٥ : ١٠٢  
٢٤-چويك، ١٣٥٢: ٢٠  
٢٥-همان، ١٣٢  
٢٦-الماضي، ١٩٩٦ : ٣٧-٣٨  
٢٧-چويك، ١٣٥٢: ٢٣  
٢٨-همان، ٧  
٢٩-همان، ١٤١  
٣٠-همان، ١٧١  
٣١-همان، ٨٢  
٣٢-همان، ١٠  
٣٣-همان، ١١٣  
٣٤-همان، ٢٠٩  
٣٥-همان، ١٣  
٣٦-همان، ١٣  
٣٧-النصير، ١٩٨٦، : ١٨  
٣٨-چويك، ١٣٥٢: ١٩٣  
٣٩-همان، ٢٩  
٤٠-همان، ٢





منابع:

- ١-براهني، رضا : **قصه نويسي** ، تهران ، نشر البرز ، ١٣٦٨
- ٢-ب. س. ديفيز: **المفهوم الحديث للزمان والمكان**، ترجمة د. السيد عطا، الهيئة المصرية العامة للكتاب، القاهرة، ١٩٩٨
- ٣-چوبك، صادق : **سنگ صبور** ، چاپ تهران ، جاويد ، ١٣٥٢
- ٤-دهقاني ، ناهيد: **بررسی تحلیل وشتاب با روایت در رمان سنگ صبور** ، فصلنامه پژوهشهای ادبی سال ١٣ شماره ٥٣ پاییز ١٣٩٥
- ٥-سپانلو، محمد علی: **باز آفرین واقعیت**، انتشارات نگاه ، تهران، ١٣٨١
- ٦-عابدینی، حسن میر: **صد سال داستان نویسی ایران**، جلد ١ و ٢، نشر چشمه ، تهران ١٣٨٧
- ٧-فرزاد بالو و دیگران: **بررسی مزلفه های پست مدرن در رمان سنگ صبور چوبک**، پژوهش نامه مکتب های ادبی، سال دوم، شماره چهارم تابستان ١٣٩٧
- ٨-کمنجی، ذکریات مدحت: **جماليات المكان في الرواية النسوية الأردنية**، دار الثقافة ، الاردن ، ٢٠١١.
- ٩-الماضي، شكري : **فنون النثر العربي الحديث** ، منشورات جامعة القدس المفتوحة، عمان، الأردن، ١٩٩٦م
- ١٠-مرتاض، عبد الملك: **نظرية النص الادبي** ، دار هومة للنشر والتوزيع ، الجزائر، ٢٠١٧
- ١١-النصير، ياسين: **الرواية والمكان**، دار الشؤون الثقافية العامة، بغداد، ط ٢ سنة ١٩٨٦

Sources and references

- 1-Abedini, Hassan Meer: **Repel Sal Dastan Noyesi Iran**, Jilid 1and 2, Shashma Publishing, Tehran 1387
- 2-Al-Nusair, Yassin: **The Novel and the Place**, House of General Cultural Affairs, Baghdad, 2nd Edition, 1986
- 3-Burhani, Reza : **Nuwaisi's Story**, Tehran , Al-Barz Publishing, 1368
- 4-Chopak, Sadiq : **Singh Sabbour**, Chap Tehran , Javed , 1352
- 5-Dehghani , Nahid: **Analysis and assessment of the novels of Pomegranate Singh Patient**, Literary Studies Chapter, No. 13, No. 53, 1395
- 6-Farzad Baloo and Digran: **Posted in Pomegranate Singh Sabour Chopak, Pushh Namah Office of High Literature, Sal Dom, Charm Tabestan 1397**
- 7-Kamanji, Memories of Medhat: **The Aesthetics of Place in the Jordanian Feminist Novel**, Dar Al-Thaqafa , Jordan ,2011
- 8-Mortad, Abdelmalek: **The Theory of the Literary Text**, Dar Homa Publishing and Distribution , Algeria, 2017
- 9-Past, Shukri : **Art of Modern Arabic Prose**, Al-Quds Open University Publications, Amman, Jordan, 1996

دراسة تحليلية لعنصري الزمان والمكان في رواية سنك صبور للكاتب الإيراني صادق جوبك



10-P. S. Davies: The **Modern Concept of Time and Space**, translated by D. Mr. Atta, Egyptian General Book Organization, Cairo, 1998

11-Spanlu, Muhammad Ali: **Buzz Afrin Haghit**, Najah Diffusion , Tehran, 1381



مجلة مركز بابل للدراسات الانسانية ٢٠٢٤ المجلد ١٤ / العدد ٤

